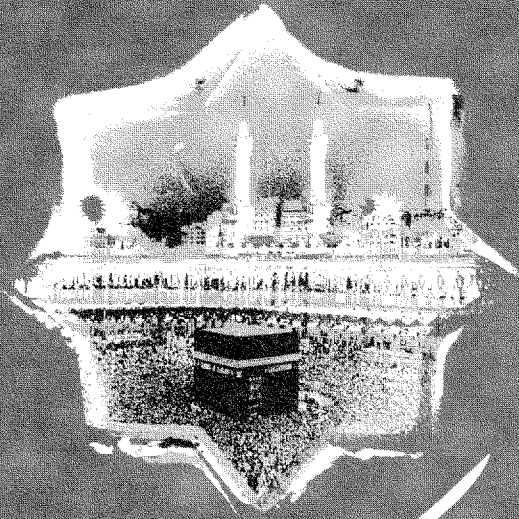


۱۰۵



# اماکن و آثار

# معماری مساجد و ابنیه در عصر پیامبر

اصغر قائدان



معماری مساجد و ابنیه در عصر پیامبر

میترا

مجله تخصصی معماری و هنر

Volume 1, Issue 1

۱۰۶

## چکیده

سخن از معماری عصر حضرت رسول ﷺ، به سبب کمی منابع و اطلاعات، کار چندان ساده‌ای نیست. آنچه روشن است این که فن ساختن بنا در آن دوران، تا حدی ساده و به دور از هرگونه ظرائف خاص هنری و ملهم از معماری عصر جاهلیت است. معماری در میان عرب عصر جاهلی، چندان دارای پیچیدگی و مهندسی خاصی نبوده، بلکه عمدتاً از معیشت صحرائی و بدوی آنان و طبیعت خشک و خشن، الهام گرفته است. مسأله امنیت و حفاظت از توفان‌های شن و باران‌های سیل آسا، دو مقوله مهم و مورد توجه از نوع معماری آن دوران بوده است. عرب عصر جاهلیت را به دو دسته «اهل مدّر» و «اهل وّبر» تقسیم کرده‌اند.

مدّر به معنای گل است؛ زیرا آنان خانه‌های خود را از گل و خشت می‌ساختند.

و وّبر به معنای پوست است؛ زیرا صحرائنشینان خیمه‌ها و محل سکونت خود را از آن می‌بافتند.

از هنگامی که عرب بدوی به شهر نشینی و سکونت در شهر رو آورد، تحوّل‌ی در معماری پدید آمد. مدینه یا یترب، که از شهرهای مهم عرب محسوب می‌شد، به سبب هجرت پیامبر خدا ﷺ و پذیرش دین جدید از سوی مردم آن شهر، تحولات قابل توجهی در معماری آن پدید آمد. ساخت مسجد و عبادتگاه، به‌ویژه مساجد مهمی چون قبا و مسجد النبی، که پیامبر ﷺ خود در کار ساختن آن‌ها نقش داشتند و هم‌چنین ساختن خانه‌هایی به وسیله مهاجران و علاوه بر آن، ساختن قلعه‌هایی به دست یهودیان در مدینه و منطقه خیبر، که از استحکام بسیار عالی برخوردار بود، از جلوه‌های مهم تکاملی در این عرصه است.

در این پژوهش و تحقیق، بر آنیم تا معماری عصر پیامبر ﷺ را در دو محور «بنای مسجد» و نیز «ساخت ابنیه» (شامل خانه‌ها و اطعم‌ها) تشریح و با شیوه‌ها، مصالح، مهندسی، ابزارها و در مجموع هنر ساخت آن‌ها آشنا شویم.

## مقدمه

«كذب أصحاب الحجر المرسلين آياتنا فكانوا عنها معرضين وكانوا يتحيتون من الجبال بيوتاً آمين».

«و همانا مردم حجر (ثمود و قوم صالح) فرستادگان خداوند را دروغگو شمردند. نشانه‌های خود را به آنان دادیم. پس، از آنها روی گردانیدند، آنان، از کوه‌ها، خانه‌ها می‌تراشیدند، در حالی که ایمن و آسوده بودند»<sup>۱</sup>

این آیه شریفه، اشاره به نوعی خاص از معماری عرب در عصر قبل از اسلام دارد، که امروزه شهر پترا در اردن مصداق آن تشخیص داده شده است؛ زیرا در آنجا اقوام ثمود و صالح می‌زیستند. این شهر به‌طور کامل در دل صخره‌ها و کوه‌ها ایجاد شده است. قصر، معابد، گورها، خانه‌ها و حتی ورزشگاه شهر در داخل کوه‌ها و صخره‌ها تراشیده شده‌اند و امنیت بسیار بالایی دارند. این تمدن در تاریخ عرب، به تمدن صخره‌ای یا عربستان صخره‌ای معروف است. این نوعی از معماری در شمال غربی عربستان قدیم (شبه جزیره) است.

براین اساس، بخشی از ساکنان شبه جزیره و اعراب این منطقه، دارای چنین ویژگی و نوع خاص از معماری بوده‌اند. البته آنان بر اثر عذاب الهی از میان رفته‌اند اما آثارشان امروزه در شهر یاد شده مورد بازدید سیاحان است.

معیشت بخش دیگری از مردم عربستان، در صحراها و بادیه‌ها بوده است و به همین علت، آنان در کتیبه‌های عبری، «عربه» به معنای بادیه نشین یا صحرائنشین و به عبارتی، بدوی نامیده شده‌اند. صحراهای سوزان، لم یزرع و خشکی که مساحت یکی از آن‌ها پانصد هزار کیلومتر مربع (الربع الخالی) و حدود یک پنجم عربستان است و نیز بیابان‌هایی که شرق، غرب، شمال و جنوب عربستان را از یکدیگر جدا ساخته است. براساس وضعیت اقلیمی و توپوگرافی، نوعی سکونت و معیشت را بر این مردم رقم زده است که با جابه‌جایی و نقل و انتقال و عدم ثبات بر روی زمین همراه است.

جایی که ثبات نباشد، شهری پدید نمی‌آید و وقتی شهری نباشد، تمدن، معماری و آبادانی پدید نمی‌آید. بنابراین، اقلیم و آب و هوا در پیدایی معماری و حتی نوع آن، تأثیر گذار است. اعراب اهل مدرّ؛ همان کسانی بودند که زندگی ثابتی داشتند و یکجا نشین بودند. آنان خانه‌های خود را از مدرّ؛ یعنی گل می‌ساختند. لذا شهر پدید آوردند و خانه‌ها ساختند.

اما دسته دیگر، اعراب اهل وّبر هستند که خانه‌های خود را از خیمه‌های بافته شده از پوست (وّبر) بر پا می‌کردند. خانه‌های آنان باید آنچنان سبک باشد که هرگاه بخواهند آن را از زمین برکنند و با خود ببرند و در جای دیگری برپا سازند. خیمه‌ها معمولاً با چند شاخه درخت خرما استوار می‌گشت. اینجا جای خفتن و استراحت بدوی از گرمای شدید آفتاب و توفان بادهای موسمی و



باران‌های پراکنده و نیز سرما بود. اثاث خانه‌ی عرب بدوی، مشک آبی بود و ظرفی برای گرم کردن، خوردنی مختصری و نیز شتری بارکش و شاید هم گوسفندی.

درگیری بر سر آب و چراگاه، از رخداد‌های روزمره‌ی زندگی آنان بود. بدیهی است این نوع زندگی که بر اساس وضعیت اقلیمی به آنان تحمیل شده است، آنان را با شهر و شهرنشینی بیگانه می‌سازد، مگر آن‌که حادثه‌ای خاص رخ دهد؛ مانند وضعیتی که در سده پنجم میلادی رخ داد و در زندگی مردم این مناطق دگرگونی محسوس پدید آمد. تغییر مسیر جاده‌ی کاروان‌رو، موجب پیدایش شهرها و شهرک‌های تازه گردید و پیدا شدن این شهرها، بیابان‌نشینان را به خود جذب کرد. از آن هنگام زندگی اجتماعی عرب تا ظهور اسلام در دو بخش صحرائشین و شهرنشین تداوم یافت. شهرنشینان جدید، با الهام از طبیعت پیرامونی خویش در صحرا، به ساختن خانه‌هایی از گل و خشت و چوب و نخل پرداختند. خانه‌هایی که بتواند آنان را از گرمای سوزان، باران‌های سیل‌آسا و نیز سرما حفظ کند و بر این اساس نوعی از تکامل در زندگی اجتماعی عرب صحرا نشین، که اکنون شهرنشین شده بودند، پدیدار شد که مهمترین جلوه‌ی آن، در معماری و شهرسازی بود. این وضعیت تا زمان ظهور اسلام استمرار داشت. دورانی که پیامبر ﷺ مبعوث شد، از چنین ویژگی‌هایی برخوردار بود. اما آن حضرت، با هجرت به شهر مدینه، تحولی بس عظیم در معماری عرب پدید آورد و آن، گره زدن این نوع از معماری با مذهب بود؛ چیزی که تا آن زمان پیشینه نداشت، یعنی ساختن بنای که به نام او و مسجدالنبی ﷺ اشتها یافت. این بنای مذهبی و مقدس، که پیرامون آن خانه‌های زیادی ساخته شد و مانند نگین انگشتری در مرکزیت شهر قرار گرفت، نخستین تجربه‌ی اعراب در زمینه‌ی معماری در عصر اسلامی بود و بدین وسیله مسلمانان را با میراث معماری قبل از اسلام پیوند می‌زد.

## معماری در عصر پیامبر ﷺ

پرداختن به معماری عصر پیامبر ﷺ و دوران حیات ایشان، کاری است دشوار؛ از یک سو، سادگی معیشت مسلمانان و محل سکونت و نیز شهر نشینی آنان، و درحقیقت بومی بودن معماری وعدم اقتباس والگویی از معماری های سرزمین هایتمدنتی چون روم، ایران و مصر و از سوی دیگر، سکوت منابع عمده تاریخی و معماری پیرامون این مباحث و نیز برجانماندن آثاری از آن دوران، پژوهش و تحقیق در این زمینه را با دشواری های زیادی مواجه می سازد. رشد چشمگیر معماری و هنر در سده های پس از رحلت حضرت رسول ﷺ، که بیشتر به یک معجزه شبیه بود و آثار باشکوه آن در اقصی نقاط سرزمین های تحت سلطه مسلمین؛ از هند تا ایران، آسیای صغیر، شامات، آفریقا و مصر و نیز اندلس که در مساجد، ابنیه ها، کاخ ها، قصرها، خانه ها، کاروانسراها و رباطها و ... محققان و پژوهشگران عرصه هنر و معماری را مجذوب خود ساخته و آن را محور اصلی کار ایشان قرار داده است. لذا نسبت به بحث پیرامون معماری عصر پیامبر ﷺ آنان را غافل ساخته است. با این وجود در آثار تاریخی و متون جغرافیایی و حدیثی، می توان تا حدودی وضعیت روشنی از معماری آن عصر به دست داد. ما بحث معماری در آن دوران را بر محور مسجد، خانه، اطم و قلعه ها دنبال می کنیم:

## الف - مسجد

مسجد و به تعبیر دیگر عبادتگاه مسلمانان، تحولی عظیم در معماری ایجاد کرد. مسلمانان همواره کوشیدند تا این مکان مهم عبادی و سیاسی را - که محل اجتماع و تصمیم سازی های سیاسی و اجتماعی نیز بوده است - به بهترین وجه استوار سازند. آن را تزیین کنند و بیشترین ظرافت های هنری را در آن به کار ببرند. براین اساس، مسجد دارای جایگاه ویژه ای در معماری اسلامی است. نخستین مسجد در اسلام، که به دست پیامبر خدا ﷺ برپا شد، به عنوان کانونی فروزان در مدینه یا یثرب، دل ها را تا عصر حاضر متوجه خود ساخت. این مسجد که به صورتی بسیار ساده ساخته شده بود، چون نگین انگشتری، در میان شهر می درخشید؛ به ویژه این که خانه پیامبر ﷺ در کنار مسجد و نیز خانه های صحابه در پیرامون آن، شکل و ماهیت مدینه را دگرگون کرد. اهمیت برپایی مسجد تا آنجاست که در قرآن کریم، عمارت کنندگان آن ستوده شده اند و حضرت رسول ﷺ نیز بلافاصله پس از مهاجرت به مدینه، به بزرگترین و مهمترین کار؛ یعنی ساخت و برپایی مسجد دست زد. این امر اهمیت و ضرورت چنین اقدامی را روشن تر می سازد و نخستین کار رسول الله ﷺ پس از ورود به قبا، ساختن مسجد قبا و پس از ورود به یثرب ساختن مسجد النبی ﷺ بود. جایی که در همان آغاز تأسیس، تبدیل به مرکز فرمان جامعه در حال رشد مسلمانان



گردید. این مکان غیر از عبادت، کارکردهای متنوعی چون محل شورا، قضاوت، تقسیم بیت المال، مداوا کردن مجروحان جنگ، ملاقات با گروه‌ها و وفود، عقد پیمان‌های سیاسی و اقتصادی نیز داشت و به عبارتی دارالحکومه مسلمانان بود. «مساجد بعدها به لحاظ نظری وفاداری به این هر دو جنبه را حفظ کردند و فقدان نهادهای رسمی در دنیای اسلام، با فقدان متقابل بناهای رسمی عمومی؛ نظیر تالار شهر و یا محاکم، به نقش دوگانه مسجد اهمیت بیشتری بخشید. بدین ترتیب طی فراگردی طبیعی به مرکز جامعه، اعتقادی جدید گردید»<sup>۲</sup>.

مسجد در همان آغاز تأسیس، تبدیل به مرکز فرمان جامعه در حال رشد مسلمانان گردید. این مکان غیر از عبادت، کارکردهای متنوعی چون محل شورا، قضاوت، تقسیم بیت المال، مداوا کردن مجروحان جنگ، ملاقات با گروه‌ها و وفود، عقد پیمان‌های سیاسی و اقتصادی نیز داشت و به عبارتی دارالحکومه مسلمانان بود.

در این مسجد مقدمات تشکیل امت واحد، براساس انعقاد پیمان‌نامه وطنی یا مدنی، که تشکیل جامعه مدنی رسول الله ﷺ را نوید می‌داد، فراهم شد؛ امت واحدی که آن حضرت در مدینه شکل داد، شهری بر همان مبنای ایجاد کرد؛ شهری ایده‌آل که مسجد نسبتاً ساده آن، در مرکز شهر، همه نگاه‌ها را به خود معطوف می‌ساخت و مردم را به هنگام نماز به سوی خود فرا می‌خواند. این نقطه ثقل و دایره شهر اسلامی است. «این فضا، فضای عرصه و نمایشی است که جنبه مذهبی و همچنین اجتماعی دارد. امت، اجتماعی است که برخی از افراد آن، آداب و روش زندگی را مشترکاً رعایت می‌کنند، به سوی قبله واحد روی می‌گردانند. تصوّر ذهنی امت در جامعه اسلامی ایده‌ای ارگانیک دارد که در قرآن به صورت بنیان مرصوص مطرح شده است.

کلمه بنیان؛ یعنی بنا و کلمه مرصوص به معنای ساختمانی است که با رصاص سفید (قلع) و رصاص سیاه (سرب) محکم کاری شده؛ به طوری که در مقابل عوامل انهدام مقاوم شده است.<sup>۳</sup>

مسجد، مکانی است که پیروان دین، در صف‌های طویل (در عرض) می‌ایستند و نگاه خود را به سوی قبله معطوف می‌دارند، مسجد مانند کلیسا یک سالن اجتماع است، با این تفاوت که این سالن، محور بزرگ آن در عرض جهت‌یابی شده است. این سالن به جای آن که در عمق یا طول توسعه یابد، در عرض گسترش می‌یابد و این حالت جدا از اختلاف سبک‌ها، حالتی به مجموعه می‌دهد که آن را از بناهای مسیحی متمایز می‌سازد.<sup>۴</sup> برای این اساس است که عرض مسجد النبی ﷺ بیشتر از طول آن است؛ ۶۰ ذرع (طول)، ۷۰ ذرع (عرض) و همین‌طور مسجد قبا و سایر مساجد عصر پیامبر ﷺ.

### مسجد النبی ﷺ

به تعبیر قرآنی، مسجد النبی، نخستین مسجد در اسلام است که به دست پیامبر خدا ﷺ بنا گردید؛ ﴿لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَيَّ التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ...﴾<sup>۵</sup> پیامبر خدا ﷺ در نخستین روز ورود به مدینه یا یرب، به ساختن مسجدی پرداخت که نخستین تجربه جمعی اعراب در معماری بود. صحابه؛ اعم از مهاجر و انصار و حتی





شخص پیامبر ﷺ و نیز زنان در ساختن آن دخیل و سهیم بودند. چون این مکان برای همه بنا می‌شد، باید در ساختن آن نیز همه شریک می‌شدند.<sup>۶</sup> پیامبر ﷺ در حقیقت طراح مسجد و به عبارتی ناظر و همکار در معماری آن محسوب می‌شوند؛ زیرا ایشان با داستان مبارک خود، خطی بر روی زمین به صورت مستطیل کشیدند و حد مسجد را تعیین کردند. با یک نیزه و یک خط، به تقسیم زمین به مکانی برای زیستن (خانه‌اش در کنار مسجد) و فضایی برای نیایش؛ به تعبیری، زندگی مادی و معنوی را با هم توأم ساخت و دین و دنیا را با هم مرتبط کرد و مرکزی مقدس برای برپایی و شکل‌گیری شهری اسلامی و مذهبی فراهم ساخت.

در زمین انتخاب شده برای مسجد، چندین قبر از مشرکان قرار داشت که پیامبر ﷺ دستور داد آن‌ها را نبش کردند و نیز کمی پستی و بلندی داشت که آن‌ها را هموار نمودند و نیز نخلی داخل آن بود که قطع کردند و آن را آماده ساختن دیوارها کردند. طول مسجد هفتاد ذرع (۳۵ متر) و عرض آن شصت ذرع (۳۰ متر) که مساحت آن ۴۲۰۰ ذراع برابر با ۱۰۲۵ متر مربع می‌شد. پایه‌ها و پی دیوارها را از سنگ قرار دادند و دیوارها را از گِبن (خشت خام) غیر قابل احتراق (آجر نسوز) برپا ساختند. پی دیوارهای مسجد به عمق سه ذراع (حدود ۵/۱ متر) با سنگ پر شد و دیوار نیز با پهنای ۷۵ سانتیمتر بنا گردید.<sup>۷</sup> درانجام این کارها، رسول الله ﷺ نیز

همراه مهاجران و انصار به ساختن مسجد می‌پرداختند و خشت و سنگ را منتقل و تا کنار دیوارها می‌آوردند. در این حال بود که صحابه اشعاری را زمزمه می‌کردند.<sup>۸</sup>

### سقف مسجد و ستون‌ها

دیوارهای مسجد تا ۵ ذراع (۲ متر) بالا رفت. صحابه اموالی را گرد آوردند و آن را به پیامبر ﷺ تقدیم کردند که با آن مسجد را تزیین و مسقف کنند و از آن حضرت پرسیدند: آیا آن را مسقف کنیم؟ فرمودند: «ماي رغبة عن اخي موسى، عريش كعريش موسى»<sup>۹</sup> و به عبارتی دیگر «أَبُوآلِي عَرِيشاً كَعَرِيشِ مُوسَى، ثَمَامَاتِ وَ خَشَبَاتِ وَ ظَلَّةَ كَطَلَّةِ مُوسَى أَوْ الْأَمْرَ الْعَجَلِ مِنْ ذَلِكَ» پرسیدند: «و ماظلة موسى» قال: «كان إذا أقام أصاب رأسه سقف».<sup>۱۰</sup>

یعنی «من میل دارم مانند برادرم موسی، سایه‌بانی داشته باشم» عریش، سایه‌بان را گویند. اعراب آن‌را از چوب ثمام که نوعی گیاه معروف در بادیه بوده، می‌ساختند و به آن «مظال» می‌گفتند که به معنای سایه‌بان است. این سخن پیامبر ﷺ یکی حکایت از سادگی بنا دارد و دیگر آن‌که به کار نبردن آجر و خشت در سقف و استفاده از برگ‌ها و شاخ‌های نخل خرما می‌تواند نور لازم را برای فضا فراهم سازد و آن را روشن گرداند و علاوه بر آن، به سبب وجود بادهایی که معمولاً در این اقلیم می‌وزد هوای مطبوع را داخل فضا به جریان در آورد و باعث خنکی محل اقامه نماز گردد.

این رسته اشاره می‌کند که این سقف با خاک رُس اندود نشده بود، به هنگام ریزش باران، مسجد پر از گل می‌شد.<sup>۱۱</sup> بر این اساس لازم بود ستون‌هایی تعبیه و استوار سازند تا بر فراز آن ستون‌ها سایه‌بان یا به عبارتی سقف را قرار دهند. بدیهی است، این ستون‌ها جز تنه درختان خرما و به عبارتی ستون چوبی مدوّر، چیز دیگری نخواهد بود؛ مصالحی که در مدینه و عربستان فراوان است. وجود نخلستان‌های انبوه در مدینه و دستیابی به تنه درختان خرما و برگ‌های نخل، معماری این شهر و سرزمین خشک و صحرائی که دارای تابستان‌های طولانی و گرم و بادهای سوزان و زمستان‌های کوتاه را شکلی دیگر بخشیده است.

بدیهی است کاربرد چوب و تنه‌های درختان، به سبب گرمی هوا، برخلاف مناطق سردسیر و رطوبت‌زا، مصالح مناسبی محسوب می‌شوند که مناسب این توپوگرافی و وضعیت اقلیمی خاص هستند و درحقیقت دچار انبساط و انجماد نمی‌شوند. این همان تأثیر آب و هوا در معماری است که در عصر حاضر بدان توجه ویژه وجود دارد. اسکلت بندی از تنه درخت، با برپا کردن چندین تنه و پوشاندن روی آن با برگ‌های نخل برای سقف مسجدالنبی، حلقه ارتباطی معماری عصر اسلامی و عصر جاهلیت عرب است که اعراب مناطق صحرائشین از دیرباز به این نوع راه حل، برای زدن سقف، البته در سطوح کم عرض، روی می‌آوردند.<sup>۱۲</sup>

حدود یازده ستون در فضای مورد نظر بر

افراشته شد و روی آن، از برگ‌های نخل که به یکدیگر بافته شده و با شاخه‌های محکم به صورت کلاف بر روی سطح تنه‌ها قرار می‌گرفت پوشیده شد. یا به عبارت صالح لمعی، پلهایی از چوب بر روی تنه نخل‌ها استوار و روی آن با برگ نخل پوشیده شد که حدود ۲ متر ارتفاع سقف را تشکیل می‌داد.<sup>۱۳</sup> تعدادی از این یازده ستون، پس از چندی، یادآور خاطره‌های مهمی از دوران پیامبر ﷺ گردید و هر یک نامی به خود گرفت که اکنون پس از ۱۴ قرن، آن ستون‌ها، البته با بازسازی‌هایی استوار و نام‌های آن‌ها بر فرازشان یادآور حوادث تاریخی عصر پیامبر ﷺ هستند؛ مانند ستون توبه. البته برخی کارکردهایی هم داشتند، مانند ستون «مخلقه» که عطر و خلوق بر آن می‌آویختند تا فضای درونی مسجد را خوشبو سازند و نیز ستون «وفود» که محل دیدارهای پیامبر با قبایل بود؛ نوعی محل بارعام. همچنین ستون «محرس» که محل نگرهبانی از رسول الله ﷺ بوده است.<sup>۱۴</sup>

این ستون‌ها سقف سمت مصلاً و قبله را پوشش می‌داد و بقیه به صورت صحن و بدون سقف ماند.<sup>۱۵</sup>

### و اما تعداد ستون‌هایی که سقف مسجد بر روی آن استوار گشت:

۱. ستون‌های میان منبر و محل اقامت پیامبر ﷺ (روضه‌النبی ﷺ)؛ در طول، ۶ ستون قرار داشته که امروزه با سنگ‌های سبز و سفید مجزاً و مشخص شده‌اند و در عرض،

۲۲ ستون که البته بر اساس نظر شیعه در داخل روضه قرار دارند.

۲. ستون‌های حدّ اولیة مسجد؛ دو صف از ستون‌های غرب و دو صف از ستون‌های شمال، پس از روضه شریفه، حدّ اولیة مسجد را نشان می‌دهند که در زمان رسول الله ﷺ مسقف بوده است. این مکان اولیة مسجد، تا قبل از توسعه توسط پیامبر بعد از غزوة خیبر است.

۳. ستون‌های پس از توسعه، در زمان پیامبر ﷺ؛ دو صف از ستون‌ها در غرب و چهار صف در سمت شمال را دربر می‌گیرد.

۴. ستون‌های حدّ غربی مسجد پس از توسعه در عصر پیامبر ﷺ؛ در غرب مسجد، یازده ستون در یک صف، حدّ مسجد پس از توسعه خیبر را شکل می‌دهند.

۵. ستون‌های حد شمالی مسجد پس از توسعه عصر پیامبر ﷺ؛ یک صف شامل ده ستون در شمال مسجد، در عصر پیامبر ﷺ که مسجد و صحن امروزی را از هم جدا می‌کند.<sup>۱۶</sup>

اما این ستون‌ها در آغاز، در سمت قبله قرار داشت؛ البته زمانی که قبله به سمت

بیت المقدس بود و زمانی که پیامبر ﷺ قسمت دیوار شمالی را با دو ردیف ستون مسقف ساخت، در این حال قبله به دیوار جنوبی تغییر یافت و سمت مسقف در دو ستون، در این دیوار نیز برپا شد و در سمت جنوبی بسته و اینجا محلّ برگزاری نماز جماعت شد.<sup>۱۷</sup>

## درهای مسجد

پیامبر ﷺ پس از پایان کار بنای دیوار و سقف، سه ورودی برای مسجد قرار دادند و سه در چوبی ساخته، روی پایه‌های سنگی آن باب‌ها استوار کردند. این سه در، هریک به نامی معروف شد:

### ۱. باب جبرئیل (ع)

و آن، از درهای مهم مسجد در عصر رسول الله ﷺ بود که به نام‌های باب الجبر و باب الجنائز نیز معروف بود. این در، بر دیوار شرقی مسجد (میانة دیوار) قرار داشت. بعدها در توسعه مسجد، در زمان رسول الله ﷺ؛ یعنی پس از غزوة خیبر حدود چند متر به پایین‌تر، به سمت شمال منتقل شد. این باب، هنوز هم البته کمی بیرون‌تر از مکان اصلی باقی مانده است.

### ۲. باب الرحمه

این در، بر دیوار شمال غربی مسجد قرار گرفت و اکنون با فاصله بسیار، با جای اصلی خود به سمت غرب، همچنان پا برجاست.

### ۳. باب عاتکه

این در، بر دیوار جنوبی، مقابل خانه عاتکه، دختر عباس قرار داشت. در داخل مسجد، ابتدا محل نماز پیامبر به سمت بیت المقدس، در پایان حد مسجد، از سمت شمال بود؛ به گونه‌ای که ستون عایشه پشت ایشان و کمی به سمت شمال مایل می‌شد تا به موضع ستون

پنجم در موازات باب جبرئیل قرار می گرفت و باب جبرئیل بر شانه راست ایشان واقع می شد.<sup>۱۸</sup> پس از تغییر قبله، پیامبر ﷺ در سمت دیوار جنوبی نماز گزاردند و در جنوبی را بستند.

#### کف مسجد

کف مسجدالنبی دارای پوششی از سنگریزه‌های کوچک بود و چون نماز گزاران باید بدون کفش وارد مسجد می شدند، رسم پوشاندن کف مسجد معمول شد. پیامبر نیز خود گاهی به هنگام نماز از زیرانداز (حصیر) استفاده می کردند.<sup>۱۹</sup>

ابوسعید خدری در روایتی گوید: در مسجد بر پیامبر خدا ﷺ وارد شدیم و پرسیدیم: ای پیامبر خدا، کدام مسجد بر اساس تقوی بنا نهاده شد؟ پیامبر ﷺ مشتی سنگریزه از کف مسجد برداشت و آن را بر زمین پاشید و فرمود: «هذا مسجدی و مسجدکم»؛ یعنی مسجد مدینه.<sup>۲۰</sup>

#### ۴. ایوان صفة

در شمال مسجد نیز ایوان و سایه‌بانی برای مهاجران فقیر ساختند که به ایوان صفة معروف شد. گفته اند حدود هفتاد تن از مهاجران، که جایی برای سکونت نداشتند،<sup>۲۱</sup> بر روی آن زندگی می کردند. این ایوان در کنار دیوار شمالی ساخته شد و مسقف گردید. این کار پس از تغییر قبله انجام شد که در دومین سال از هجرت بود. ایوان صفة، البته اندکی با تغییر مکان، همچنان موجود است.

#### ۵. منبر مسجدالنبی ﷺ

منبر محل وعظ و خطابه و از مهم ترین آثار داخل یک مسجد و مکان مقدس و مذهبی است. منبر معمولاً در سمت راست محراب یا محل اقامه نماز قرار می گیرد. نمونه مشابه منبر، در مراسم عبادی مسیحی، سکوی وعظ و خطابه است. آمبو (Ambo) کلمه‌ای که در کلیسای اوایل قرون وسطی برای اشاره به سکوی خطابه دار کلیسای بیزانس به عنوان نامی برای تخت استفاده می شد. نزدیکترین نوع سکوی خطابه، منبر بود.<sup>۲۲</sup>

پیامبر خدا ﷺ هنگام خواندن خطبه در مسجد النبى ﷺ به تته درختی از خرما تکیه می دادند و چون از حالت ایستاده، اظهار خستگی کردند، به روایتی، غلام عباس بن عبدالمطلب و به روایتی دیگر زنی از انصار برای ایشان پلکانی که دارای سه پله بود به صورت منبر ساخت و حضرت رسول ﷺ در روز جمعه‌ای بر روی آن نشست و خطبه خواند.<sup>۲۳</sup> آن حضرت روی پله سوم نشستند و پاهای خود را بر روی پله دوم گذاشتند. با گذشت ایام، منبر یکی از لوازم حتمی مساجد عمده شهرهای بزرگ شد که برای مسلمانان نشانه‌ای بود از حکومت الهی، به معنای تلفیق قدرت‌های سیاسی، نظامی و مالی با دین و نه نشانگر جنبه مذهبی صرف.

منبر حضرت محمد ﷺ نشانه کامل این قدرت‌ها بود. یکی از نخستین شکل‌های نمادین اسلام را به وجود آورد و به مثابه یک شکل زیبا شناختی، تحول نسبتاً چشمگیری یافت.<sup>۲۴</sup>

برخی نیز گفته‌اند: منبری که برای پیامبر ﷺ ساخته شد، مرتفع و از گل بود؛ یعنی پله نداشت. برخی دیگر گفته‌اند: مانند کرسی یا صندلی بوده که از چوب گز ساخته شده بود.

### توسعه مسجد در زمان پیامبر خدا ﷺ

در سال هفتم هجرت، پس از غزوة خیبر، به سبب گسترش جمعیت مسلمانان، پیامبر ﷺ احساس کردند که مسجد گنجایش نمازگزاران را ندارد و باید آن را توسعه دهد، لذا دیوارهای مسجد را تخریب و ابعاد آن را به ۱۰۰ ذرع در ۱۰۰ ذرع؛ یعنی به صورت مربع ۴۹×۴۹ متر در آوردند. در حالی که پیش از آن، مستطیل شکل بود. مربع یکی از شکل‌های هندسی است که نقشی بزرگ در معماری اسلامی داشته است و پیامبر ﷺ در این توسعه، مسجد را با نقشه مربع برگزید که نمایانگر شکل بنیادین کعبه است. شکل مربع، غالباً در کهن‌ترین مساجد دیده شده است. از جمله مسجد کوفه و به مرور شیوه کاربرد مربع در معماری مساجد بسیار دقیق‌تر از نقشه ساده و کلی آن شد و به این ترتیب، نخستین فرایند معماری که از عربستان و از خود پیامبر ﷺ آغاز شد.<sup>۲۵</sup> مساحت توسعه یافته، به ده هزار ذراع؛ یعنی برابر با ۴۹۰۰ متر مربع تقریباً بیش از سه برابر مساحت قبلی رسید. ایشان ستون‌هایی را به ستون‌های پیشین افزودند که پیش‌تر اشاره شد. همچنین بر ارتفاع سقف مسجد افزودند و آن را از ۱/۷۵ متر به ۳/۵ متر مربع رسانیدند که هفت ذرع بود.<sup>۲۶</sup> این

مربع یکی از شکل‌های هندسی است که نقشی بزرگ در معماری اسلامی داشته است و پیامبر ﷺ در این توسعه، مسجد را با نقشه مربع برگزید که نمایانگر شکل بنیادین کعبه است. شکل مربع، غالباً در کهن‌ترین مساجد دیده شده است. از جمله مسجد کوفه و به مرور شیوه کاربرد مربع در معماری مساجد بسیار دقیق‌تر از نقشه ساده و کلی آن شد

توسعه سنتی شد برای خلفای پس از ایشان، که مساحت مسجد را گسترش دادند.

### نماز گاه مَیّت

در سمت شرق مسجد النبی، که البته اکنون در داخل مسجد و در شرق حجره و مرقد رسول الله ﷺ قرار یافته، مکانی برای نماز بر مردگان ساخته شد که به «مصلی الجنائز» معروف گردید. مؤمنان اموات خود را به این مکان می‌آوردند و پیامبر ﷺ بر آنان نماز می‌گزاردند که این رسم همچنان برقرار است و از آن جا میت را به سوی بقیع، برای دفن می‌برند. گفته‌اند در این مکان، پیامبر ﷺ یک مرد و زن یهودی زناکار را رجم کرده‌اند. این کار در کنار دیوار، در نزدیکی باب مسجد انجام شد.<sup>۲۷</sup>

### ب) معماری خانه‌ها

با ساختن مسجد النبی ﷺ شهر مدینه تحولی عظیم یافت. علاوه بر پیدایی یک کانون اجتماع و حضور گسترده عبادی برای مردم، هر یک از مهاجران از مردم مکه، در کنار مسجد خانه‌ای برای سکونت خود بنا کردند و پس از مدت کوتاهی، ده‌ها خانه در کنار و اطراف مسجد النبی برپا شد.

### خانه پیامبر خدا ﷺ

از مهم‌ترین خانه‌هایی که بنا شد، خانه و حجره‌های پیامبر خدا ﷺ بود. آن حضرت پس از سکونت در منزل ابو ایوب انصاری، که

البته شش ماه طول کشید، به احداث مسجد پرداختند و در کنار آن، خانه‌ای برای خود ساختند. خانه رهبر دینی، که با استقبال باشکوه مردم وارد این سرزمین گردیده، باید به گونه‌ای طراحی شود که بتواند بخش‌هایی از وظایف رهبری را، علاوه بر وظایف مربوط به زندگی مادی، در آن انجام دهد تا هم برای جامعه و هم برای خانواده‌اش کاربرد داشته باشد. بر ما چندان روشن نیست که معماری این خانه، متأثر از نوع معماری مردم مکه بوده یا نه.

در معماری مکه، آنچه بیش‌تر نمود می‌یافت، استفاده از خشت و گل در سقف و استحکام بنا از نظر استفاده از سنگ و مصالح محکم بود که براساس وضعیت اقلیمی مکه به سبب باران‌های سیل آسا و گرمای طاقت فرسا بود، اما در مدینه، به دلیل داشتن هوای نسبتاً مطبوع و بارش باران کم و به ویژه غنی بودن این سرزمین از نخل خرما و چوب، مصالح بیشتر خانه‌ها و معماری آن‌ها را چوب تشکیل می‌داد که در سقف‌ها به کار می‌رفت. ویژگی خاص این بنا، سادگی بی‌نهایت آن بود؛ همانند مسجدی که آن را ساخته بود. او به دنبال ساخت دارالخلافه و یا قصر نبود، بلکه سرپناهی برای آسایش و آرامش خود و همسرانش می‌خواست. او ابتدا یک اتاق از خشت برای همسر خود سوده ساخت که دوتنه نخل خرما سقف آن را تشکیل می‌داد و سال بعد اتاق دیگری برای عایشه و سپس برای حفصه و آنگاه دو اتاق دیگر برای دو همسر دیگرش ساخت، در نهایت سادگی و



بی پیرایگی.

بر اساس گفته هیلن براند؛ «وجه شاخص دیگر این خانه، ابعاد قابل توجه آن است. خانه در واقع میدان مربع بازی را تشکیل می داد که هر یک از اضلاع آن ۵۶ متر بود و اتاق‌ها پهلو به پهلو ی یکدیگر در ضلع شرقی مسجد ساخته شدند و ویژگی دیگرش آن‌که این بنا صرفاً کارکردی مسکونی یافت. حجره‌ها در داخل محصوره بودند، نه در خارج از آن، و بدین ترتیب کنه متناقض این بنا نمایان می شد؛ بنایی که ظاهراً به عنوان یک خانه مسکونی ساخته شد. و آن با توجه کامل به دیگر کارکردها طراحی گردید. به بیان دیگر، نیت آن بوده که بیت محمد به عنوان کانون جامعه جدید اسلامی عمل کند.»<sup>۲۸</sup>

اگر پیامبر ﷺ می خواست زندگی ساده و بی پیرایه خویش را به عنوان یک شهروند، در خلوتی بی سر و صدا داشته باشد، بعید بود آن را به شکلی که گفته شد می ساخت. البته مأموریت او اسلوبی از زندگی با طبیعتی عمومی را ایجاب می کرد و خانه او نیز به همان نسبت خانه‌ای عمومی بود.<sup>۲۹</sup>

این اتاق‌ها مانند دیوارهای مسجد، سبک بوده اند. ابن سعد گفته یک شاهد عینی را نقل می کند که ناظر تخریب اتاق‌های همسران پیامبر ﷺ بوده و می گوید:

«من اتاق‌های همسران پیامبر را که از شاخ و برگ درخت خرما ساخته و جلو درهای آن‌ها پرده‌هایی بافته شده از موی سیاه بز آویخته شده بود، دیدم.»<sup>۳۰</sup>

پیامبر ﷺ اتاقی عمومی برای پذیرایی منظور نکرده بود و احتمالاً این کار را در

حیاط، که همان مسجد بوده، انجام می داد؛ زیرا در مجاورت در خانه آن حضرت به سوی مسجد (البته از خانه عایشه که باب النبی خوانده می شد)، ستونی به نام سریر وجود دارد که آن حضرت تختی بر کنار آن زده و روی آن می نشستند و نیز ستونی دیگر که نام وفود بر خود گرفته بود. وفود یا دسته‌ها برای دیدار پیامبر ﷺ در کنار آن می نشستند و با ایشان پیمان می بستند. این نشان می دهد که پیامبر ﷺ دیدارها و بخشی از امور مربوط به رهبری و دعوت را در خارج از منزل و در مسجد به انجام می رسانده است.

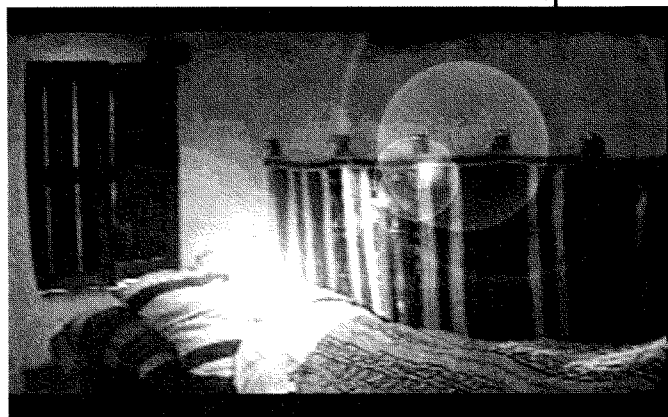
به گفته پاداپولو، این قسمت، به مثابه تالار بار رسمی طبعاً جزئی از منزل بود (همانجا).

ساختمان و بنای خانه پیامبر ﷺ بسیار سبک بود؛ مانند الگویی از زندگی بدوی و چادرنشینی عرب صحراگرد و ترکیبی از درخت خرما. جریان هوا و آفتاب، سایه‌گاه‌ها نگران کننده می نمود، اما نمونه خوب و گویایی بود از معماری مجرد و غیر عادی بادیه نشینان و توحید، بدون امتیازی که با توجه به عدم شناخت قبایل عرب از هرگونه هنر تزئینی و نقاشی، منزل را کاملاً برهنه و بی زیور نشان می داد. براین اساس، دیدگاه‌های زیبا شناختی هرگز در اندیشه پیامبر ﷺ و مسلمانان آن عصر نبوده، بلکه رفع نیازهای کیش و آیین جدید و اداره جامعه نوین به وسیله امکانات معمولی محیط که از لحاظ فنی در دسترس بود، مد نظر قرار می گرفت.<sup>۳۱</sup>

نکته قابل ذکر دیگر در شکل معماری و هندسی منزل پیامبر ﷺ مربع بودن آن در ابتدای احداث است. منزل عایشه و سوده، هر دو به صورت مربع، حدود ۵۰ متر ساخته شد. مربع از شکل های هندسی است که نقشی بزرگ در معماری اسلامی داشته است. این نقشه ای که پیامبر ﷺ برگزید، درست هندسی و دقیقاً مربع، که شکل بنیادی کعبه است.

به گفته سمهودی، اتاق پیامبر ﷺ که به آرامگاه ایشان تبدیل شد، همچنان باز و آشکار بود تا این که عمر بن عبدالعزیز، در زمان خلافت ولید، در هنگام بازسازی مسجد، حفاظی پنج ضلعی نامنظم برگرد آن احداث کرد و این کار ناشی از هراسی بود که مبادا با پیروی از همان شکل مکعب کعبه، این اتاق نیز به صورت قبله در آید و به سوی آن نماز گزارده شود.<sup>۳۲</sup>

نکته دیگر که «پایا دولو» به آن اشاره دارد، این است که: هر چند این دیوارها به ارتفاع ۳/۵ متر با خشت خام ساخته شده بود، لیکن می توانست برای پیامبر و پیروانش در صورت حمله دشمن، که بارها رخ داد، به منزله یک پناهگاه و یا احتمالاً یک دژ کوچک عمل کند و این نکته مفهوم مربع را - که یک شکل منطقی دفاعی و بسان اردوگاه های رومی و دژهای متعدد بیزانس بود - آشکار می سازد. از این رو، این دیوارها نه فقط به حریم مکانی مقدس و نه تنها منزل پیشوای امت، که برپناهگاه و دژ اسلامی نیز دلالت داشت.<sup>۳۳</sup> این نظر پاپادپولو، به هیچ رو نمی تواند درست



باشد؛ زیرا بعید است که چنین کار کردی مورد نظر پیامبر ﷺ بوده باشد. در هر حال، این خانه کوچک، همانند مسجد با خشت و شاخه‌های درخت خرما بنا گردید. سقفی کوتاه داشت که دست بدان می رسید و هم چنین دارای دو در یک لنگه، بدون قفل بود که یکی از غرب خانه به مسجد و دیگری از ضلع شمالی آن به بیرون گشوده می شد.<sup>۳۴</sup> ابن سعد، توصیف می کند که عبدالله بن یزید پیش از تخریب خانه‌ها به دست ولید، آن‌ها را دیده و چنین توصیف کرده است:

«چهار خانه با دیوارهایی از گل و کاه (خشت) که شاخه درخت خرما در آن به کار رفته بود، به اتاق‌های مجزاً تقسیم می شد و پنج خانه‌ای که از شاخه‌های گل اندود نخل بنا شده بود، فاقد تقسیمات داخلی بود. بالای درها پرده‌هایی از پارچه موئین سیاه آویخته شده بود که هر ضلع آن سه ذرع طول داشت. ارتفاع سقف‌ها به اندازه‌ای بود که دست به آن‌ها می رسید.»<sup>۳۵</sup>

و نیز از محمد بن هلال نقل شده است که خانه‌های همسران رسول الله ﷺ را دیدم که از شاخه‌های نخل خرما، که سطحی از مو بر روی آن پوشیده شده بود، در جنوب ساخته شد.<sup>۳۶</sup> هم چنین گفته شده است که دیوارهای خانه پیامبر ﷺ را با خشتی که قابل احتراق نبود و شاخه خرما که کنار هم در مساحت و ارتفاع گذاشته شده بود، ساخته بودند. هریک از حجره‌ها دری کوچک به سوی مسجد داشت و بر آن، پرده‌ای از مو آویزان شده بود.

از داود بن قیس نقل شده است که گفت:

«حجره‌های پیامبر ﷺ را دیدم که دیوارهای آن از شاخه‌های نخل ساخته شده بود و بر سطح خارجی آن لایه‌ای از مو پوشیده بود.»

عرض خانه از در اتاق تا در خانه، حدود هفت ذرع (۳/۵ متر) و طول آن حدود ده ذرع (۵ متر) بود و نیز از حسن بصری نقل شده که داخل خانه رسول الله ﷺ شدم، دستم به سقف می رسید. برای هر خانه اتاقی و هر اتاقی از چوب عرعر (سرو) پوشیده (تزیین) شده بود.<sup>۳۷</sup> پیامبر خدا ﷺ پس از وفات در همین مکان؛ یعنی در جایی که با عایشه زندگی می کرد در نیمه‌ای از منزل عایشه دفن شد. در زمان عمر بن عبدالعزیز خانه‌های محل سکونت سایر همسران پیامبر ﷺ خراب شد و قبرهای سه گانه پدیدار گشت. عمر خود شخصاً دست به کار مرمت قبرها شد و وردان را مأمور کرد تا دیوارهای خانه را تا پی در، بردارد و پی را نیز بکند.<sup>۳۸</sup> بسیاری از صحابه از تخریب خانه‌ها ناراحت شدند و می گفتند: ای کاش خانه‌ها به همان وضع باقی می ماند تا مردم می دیدند که پیامبرشان چه محل سکونت ساده‌ای داشته و چگونه به چند خشت گل قناعت و اکتفا کرده است!<sup>۳۹</sup> ترتیب خانه‌ها این گونه بود: حجره حفصه، اولین اتاقی که در کوچکی از آن به سوی خانه عمر گشوده می شد. در سمت جنوب و سپس کنار آن (در غرب) حجره عایشه بود که قبر پیامبر خدا ﷺ در داخل آن

را چون نگینی در بر گرفتند. رسول خدا ﷺ برای برخی از آنها به تقسیم و توزیع زمین پرداخت. ایشان با دست مبارک خود برای آنان خطی روی زمین کشیده و حدود آن را تعیین می کردند.<sup>۳۳</sup> برخی از آنان در خانه های انصار ساکن شدند و بسیاری خود به ساخت خانه پرداختند. از آنجا که سرزمین مکه و مدینه به لحاظ موقعیت جغرافیایی و توپوگرافی متفاوت بودند نوع معماری این دو منطقه نیز متفاوت بود. براین اساس مردم مکه از معماری مدینه در خانه سازی خود تأثیر پذیرفتند بدان نحو که چون در مدینه نخلستانها فراوان و تنه های نخل و شاخه های خرما به عنوان مصالح ساختمانی استفاده می شد آنان نیز که در مکه عادت کرده بودند خانه هایشان به ویژه سقف ها را از سنگ بنا کنند و ستونهای محکم از سنگ و به صورت مربع یا مدور استوار سازند، در مدینه تحت تأثیر معماری شهر و شرایط جدید، استفاده از چوب و نخل و تنه درخت برای زدن سقفها بهره بردند و برای دیوارها نیز از خشت و آجر نسوز (لبن) و سنگ بهره بردند و چوبهایی که بر فراز آن تزیین شده بود بر بالای درب ها می گذاشتند. این موضوع از گفته عباس عموی پیامبر ﷺ روشن می گردد که وقتی رسول خدا ﷺ برای وی خطی جهت ساختن خانه اش بر روی زمین کشیدند و وی از بنای آن فارغ شد با صدای بلند گفت: «بیتها باللبن والحجارة... والخشبات فوقها مطارة... یا ربنا بارک لاهل داره....» و

قرار گرفت و پس از آن، حجره فاطمه ﷺ نزدیک باب جبرئیل و پس از آن حجره ام سلمه و آخرین حجره نیز در سمت شمال، اتاق جویریّه بود.<sup>۴۰</sup> خانه حفصه چسبیده به خانه عایشه بود از طرف قبله و بین دو خانه، راه باریک و تنگی به اندازه عبور یک نفر وجود داشت که از پهلو حرکت کند. آن دو، با یکدیگر از داخل اتاقها صحبت می کردند.<sup>۴۱</sup> اما سادگی دیوارهای حجره ها آن گونه بود که رسول الله ﷺ نمی پسندید در آن مال زیادی صرف شود. ام سلمه در حجره خود به جای جرید (شاخه نخل) از آجر و خشت نسوز استفاده کرد. پیامبر ﷺ وقتی آن را دیدند، پرسیدند: این چیست؟ گفت: می خواهم چشم مردم را از دیدن خود (خانه ام) بازدارم. پیامبر ﷺ فرمود: ای ام سلمه، بدترین راهی که انسان به سوی آن می رود، خرج کردن مال مرد مسلمان برای ساختمان و بنا است.<sup>۴۲</sup>

### ج) خانه های صحابه

به هنگام مهاجرت پیامبر ﷺ و صحابه ایشان از مکه، شهر مدینه دچار تحولی چشمگیر در معماری و شهر سازی شد. مدینه به شهری اسلامی تبدیل گشت که مرکزیت آن را مسجد شکل می داد و به عبارتی مسجد چون نگینی در داخل انگشتی قرار یافت و صحابه معاصر پیرامون مسجد به صورت حلقه وار، خانه های خود را بنا کردند و سجد النبی

رسول خدا ﷺ نیز فرمود: «اللهم بارک فی هذه الدارة» «من این خانه را با (لبن) خشت و آجر نسوز و سنگ بنا کردم و جویهایی که بر بالای آن بر آمدگی هایی ایجاد کردم بر فراز آن گذاشتم، خداوند! این خانه را برای ساکنانش مبارک بگردان و رسول خدا ﷺ نیز دعا فرمودند: خداوند برای ساکنان آن برکت قرار ده { رسول خدا ﷺ هم چنین ناودانی برای سقف این خانه قرار داد و این کار را با گذاشتن پاهای مبارک بر روی شانه های عباس انجام دادند<sup>۴۴</sup> که این تقریباً ارتفاع دیوارها و سقف را نشان می دهد.

آنها خانه های خود را در کنار مسجد النبی، که مکانی مقدس برای عبادت بود بنا کردند و هر یک دو درب برای خانه هایشان قرار دادند، یکی دری که مستقیماً به مسجد باز می شد تا آنها را با این مکان مقدس مرتبط سازد و درب دیگری که به کوچه و بیرون باز می شد و محل تردد آنان به خارج از خانه بود. پس از توسعه خیر پیامبر ﷺ امر فرمود که همه درهایی که به مسجد باز می شد جز درب خانه علی (ع) بسته شود «امر بسد الابواب الا باب علی» و این کار به فرمان خداوند انجام شده بود. در این نوع معماری به گفته اگوست شوازی «پایه عربی» یک تنه درخت نخل است که بین دو تخته متصل گردیده است. اعراب تخته های بریده شده به انضمام چند اتصال از طریق گچ، سقفهایی با کیفیت استثنایی بوجود می آوردند، چوب در آب و هوای گرم نقش مهمی بازی می کند به کمک قطعات کوچک

چوب متصل به هم که در وسط با هم تلاقی میکنند و نوعی شبکه را تشکیل می دهند انجام می گیرد. چون نقوش و نمایش تصاویر حیوانات زنده از طرف قرآن ممنوع گردید، از این رو تمامی دکوراسیون افسانه ای از هنر حذف شده است. طبق یک عادت نژادی، اعراب ساکن، در دکوراسیون معماری خود از دکورهای پرده ای استفاده کرده باشند یعنی دکورهایی که در دوران زندگی بادیه نشین ها تنها تزیینات امکان پذیر منازل آنها بود.<sup>۴۵</sup>

آویختن پرده هایی از پوست مو و بز بر روی درب خانه ها و یا اتاقها معمولاً رسم بود. گاهی پرده ای بافته شده از پارچه نیز بر درب اتاقها آویزان و نوعی تزیین محسوب می گردید. نمونه ای در دست داریم که حضرت فاطمه (س) بر روی درب اتاقشان پرده ای زیبا آویختند و فرشی در کف گسترانیدند و چون رسول خدا ﷺ وارد منزل وی شدند و این زینت را نپسندیدند، فاطمه (س) آن را به سرعت برداشتند، آن ها را به پیامبر ﷺ رسانیدند و گفتند تا بین مستمندان تقسیم کنند.<sup>۴۶</sup>

در این معماری تا آن جا که ممکن بود از پشت دری، مشبک ها و پرده های تسییحی برای تخفیف تابش خیره کننده نور آفتاب به هنگام نفوذ به داخل ساختمان استفاده می شد. پاهای برهنه در تماس با حصیر پوش آرام می گرفت. فقدان اثاثیه در درون فضاها به جریان آزاد هوا کمک می کرد. پنجره ها معدود بودند. ترکیب تمام این عناصر جوی کم نور و مذهبی را به وجود می آورد که روح و جسم را آرامش می داد.<sup>۴۷</sup>

## گسترش فضا در سطح و ارتفاع

اما مواردی البته به ندرت هم در دست داریم که برخی خانه ها در دو طبقه ساخته می شدند مثل خانه ابو ایوب انصاری که وقتی رسول خدا ﷺ به مدینه آمدند برای سکونت در یکی از منازل به خانه او رفتند و در طبقه پایین ساکن شدند و ابو ایوب در طبقه بالا، که البته ابو ایوب بعد از چندی از این امر نگران شد که مبدا بی حرمتی به پیامبر ﷺ کرده باشد، چون بر بالای سر آن حضرت زندگی می کند لذا به طبقه پایین آمد و رسول خدا ﷺ به طبقه بالا رفتند.<sup>۴۸</sup>

شعراى عصر پیامبر ﷺ بود که در آن جا می زیست. این اطم در سمت غرب مسجد قرار داشت. دیوارهای آن بسیار بلند و شکلی هندسی زیبا داشت.

اما کف برخی از خانه ها را نیز سنگفرش می کردند مثل خانه ابراهیم بن هشام در کنار خانه حسن بن زید در مجاورت مسجد النبی که سمهودی ذکر می کند با بلاط (سنگ مفروش در کف) تزئین شده بود. او محدوده سنگفرش خانه وی را در جهات مختلف مشخص می کند.<sup>۴۹</sup>

## زقاق (کوچه)

اما برخی از گفته ها حکایت از آن دارد که این خانه ها که البته نزدیک یکدیگر ساخته می شدند به وسیله کوچه هایی با پهنای ۲/۵ متر به هم مرتبط و راه عبور و مرور مردم را تأمین می کرد. هر یک از این کوچه ها نامگذاری می شد مثل زقاق القشاشین که پهنای آن سه متر بود و یکی دیگر از این کوچه ها معروف به زقاق المناصع است. بر اساس گفته یاقوت حموی کوچه ای بوده که از خانه پیامبر ﷺ به خارج مناطق مسکونی مدینه در شرق و کنار چاه ابو ایوب راه داشته است و شبها زنان به آنجا رفته و قضای حاجت می کردند. چیزی شبیه توالت های عمومی. از عایشه نیز روایتی در دست است که زنان پیامبر ﷺ هم برای این کار شبها به سوی آنجا می رفتند که بسیار وسیع و پهن بوده و پیرامون آن نیز دیواری کشیده شده بود. این

## اطم (قلعه کوچک)

برخی از خانه ها نیز حالت قلعه و حصن داشته است و به صورت بسیار مستحکمی از سنگهای کوهی بنا می شده است که به آنها اطم می گفتند. این شیوه معماری مخصوص یهودیان مدینه بود که آنها از هنگام سکونت در مدینه ۴۰ اطم ساختند. قلعه های یهودیان بنی نظیر و بنی قریظه در مدینه معروفند. وقتی رسول خدا ﷺ به مدینه آمدند و به اخراج یهودیان پرداختند صحابه می خواستند اطم های آنان را اخلاب کنند و پیامبر ﷺ مانع شدند. این نوع معماری مورد تقلید اعراب مدینه هم قرار گرفت لذا چند نمونه از آن ساخته شد، یکی خانه حسن بن زید بود<sup>۴۹</sup> و دیگری اطم حسان بن ثابت بود که بسیار مستحکم و مرتفع بود. حسان بن ثابت از



کار به رسم عصر جاهلیت صورت می گرفت<sup>۵۱</sup>. تا این که بعدها دیوار آن خراب شده و زنان در داخل خانه خود دیوار و حائطی برای این کار درست کردند.<sup>۵۲</sup>

### رباط (میهمانسرا)

برخی از متمولان و کسانی که از وضعیت مالی خوبی برخوردار بودند برای خود دو خانه بنا می کردند یکی خانه ای بزرگ که برای دیدار و پذیرایی از میهمانان و خانه ای که محل سکونت آنان بود از جمله عثمان به عفان، که در جهت شرقی مسجد مقابل باب جبرئیل دو خانه متصل بهم داشت یکی معروف به دارالکبری و دیگری دارالصغرای<sup>۵۳</sup>. روایتی دیگر حاکی از آن است که دارالکبری ابتدا خانه کوچکی بود که رسول خدا ﷺ به عثمان به اقطاع و اگذار کرده بود و او خانه هایی در کنار آن را خرید و به توسعه خانه اش پرداخت و از سمت جنوب آن را توسعه داد<sup>۵۴</sup> یکی از کاربردهای خانه ها، میهمانسرا و محلی برای ضیافت مسلمانان بود علاوه بر دار عثمان، خانه عبدالرحمان بن عوف نیز به همین منظور ساخته شد این خانه به دارالضیفان معروف شد که به منزله میهمانسرای امروزی است و نام دیگرش دارالکبری، چون بسیار بزرگ بود. این اولین خانه ای با این بزرگی و وسعت بود که توسط یکی از مهاجران برای پذیرایی از میهمانان رسول خدا ﷺ ساخته شد<sup>۵۵</sup>. این مکان را نیز رسول خدا ﷺ برای او ترسیم و خط بنای

آن را کشیده بود. آن حضرت برای بنی زهره در سمت پایانی مسجد خط خانه هایشان را در روی زمین کشیده و مشخص کرد و سهم عبدالرحمن زمینی پر از گیاه شد که او آنها را قطع و خانه یاد شده که به عبارتی می توان آن را قلعه یا اطم نیز نامید بنا کرد<sup>۵۶</sup>.

اما برای توسعه خانه ها نیز علاوه بر گسترش در طول و عرض در ارتفاع هم نمونه هایی روشن درد ست است از جمله خانه خالد بن ولید چون بین خانه جبله بن عمرو و عمرو بن عاص قرار داشت و خانه او کوچک و تنگ بود به رسول خدا ﷺ از کوچکی آن شکایت کرد و آن حضرت به او فرمود: «ارفع في السماء و سل الله السعة» [آن را به سوی آسمان بالا ببر که خداوند آن را برای تو برکشد و گسترش دهد]<sup>۵۷</sup> که البته به نظر می رسد بیشتر از دو طبقه ساخته نمی شده است. و ما نمونه ای از خانه های سه طبقه نداریم. اما برخی از خانه ها نیز بسیار باشکوه و عالی ساخته می شده است و غیر از خانه عثمان، ابو سفیان خانه ای عالی داشته که با شکوه ترین خانه در مدینه از لحاظ بنا و مرتفع ترین آنها بوده است شاید بتوان گفت چون عنوان مرتفع تر آمده شاید خانه اش یا سه طبقه بوده و یا دیوارهای آن خیلی بلند بوده است «کانت اشرف دار بالمدينة بناء و اذهبها في السماء»<sup>۵۸</sup>

### جنابذ (گنبد)

چنانکه روشن است طراحی گنبد در معماری اسلامی الهام یافته از خیمه عربی و

بدوی (صحراگرد) است که به صورت مدور از پوست بافته می شد. در معماری عصر پیامبر ﷺ یک نمونه از گنبد یا به عبارتی قبه که کوچکتر از گنبد است در دست داریم که نشان می دهد این نوع اثر هنری در عصر رسول خدا ﷺ البته به طور بسیار نادر وجود داشته است. اعراب آن را جُنُب می نامند و این همان دلیلی است که می توان به صراحت اقتباس "گنبد" که همان جنُبذ به عربی است در معماری ایرانی را از اعراب صحراگرد دانست. در توصیف قبه های بهشت اشاره شده است «فیها جنابذ من لؤلؤ» [در بهشت گنبدهایی از مروارید ساخته شده است].<sup>۵۹</sup> در متون آن عصر هم چنین از قرائن که همان قرینه باشد یاد شده و قرینه به معنای جنُبذ یا گنبد است.<sup>۶۰</sup>

ابن شیه گوید: عبدالرحمن بن عوف پیرامون مسجد خانه ای ساخت که بر فراز آن سه قبه قرار داشت<sup>۶۱</sup> و نیز خانه ملیکه دختر خارجه بن سنان هم دارای قبه ای بوده است که در توسعه عمر بن عبدالعزیز این خانه ها و قبه ها تخریب و در توسعه مسجد وارد شد.<sup>۶۲</sup> عنوان قرائن در شعری از ابی قتیفه در آن عصر نیز آمده است.<sup>۶۳</sup>

### حش (بوستان)

در شهر سازی عصر پیامبر ﷺ «حش» به معنای باغی مصفا برای نشستن و تفریح مردم (پارک عمومی) یا باغ و نیز چاه جایگاه

ویژه ای داشته است هفت چاه در اطرف مسجد النبی و در داخل مدینه در عصر پیامبر حفر شد مثل بئر حاء، بئر رومه، بئر بضاعه و بئر اریس که از طریق این چاهها زمین های پیرامون را آبیاری و نخلستانها را آباد و یا از آب آن برای آشامیدن بهره می بردند. این چاهها از جهت دیگری نیز تقدس داشت و آن وضو گرفتن رسول خدا ﷺ و خوردن آب آن توسط ایشان بود که برای صحابه تبرک و تقدس ویژه ای داشت. برخی از این چاهها تا ۵۰ سال قبل نیز وجود داشتند. برای نمونه از این چاهها و باغها می توان به بئر حاء اشاره کرد که در جهت شمال مسجد النبی قرار داشت و متعلق به ابی طلحه انصاری بود و او در آنجا باغی مصفا داشت که از آن چاه برای آبیاری بهره می برد. این مکان به «حش ابی طلحه انصاری» معروف بود. وقتی آیه «لن تنالوا البر حتی تنفقوا اما تحبون» نازل شد ابوطلحه انصاری این چاه را صدقه قرار داد تا مردم از آن بهره برند.<sup>۶۴</sup>

### سقیفه

اما علاوه بر خانه ها مکانهایی عمومی نیز به صورت مسقف ساخته می شد تا رؤسای قبایل گردهم آیند و پیرامون مسائل جاری و روزانه قبیله به مشورت بنشینند. این مکانها به عبارتی دارالشورا و مجلس مشورتی بود. در عصر جاهلیت در مکه دارالندوه و در عصر مقارن ورود پیامبر ﷺ به مدینه سقیفه بنی ساعده از

طراحی گنبد در معماری اسلامی الهام یافته از خیمه عربی و بدوی (صحراگرد) است که به صورت مدور از پوست بافته می‌شد. در معماری عصر پیامبر ﷺ یک نمونه از گنبد یا به عبارتی قبه که کوچکتر از گنبد است در دست داریم که نشان می‌دهد این نوع اثر هنری در عصر رسول خدا ﷺ البته به طور بسیار نادر وجود داشته است.

این نمونه‌ها است. هر قبیله‌ای برای خود سقیفه‌ای در مدینه داشت که چون مسقف بود آنها را سقیفه می‌نامیدند. اما یکی از آنها در تاریخ بسیار معروف شد و آن سقیفه بنی ساعده متعلق به قوم خزرج بود که در آن سرنوشت خلافت بعد از رسول خدا ﷺ تعیین شد و انتخاب ابوبکر در آنجا رقم خورد. این مکان به عبارتی سایه بانی بود که نزدیک بئر بضاعة قرار داشته است.

نوع معماری آنها چنین بوده است معمولاً سقیفه‌های معروف در باغهای مدینه ساخته می‌شد، دیواری از غرب و سپس دیواری از شرق و نیز دیواری در جنوب که از خشت و اجر نسوز پیرامون آن را احاطه می‌کرد و در دیوار شرقی معبر و به عبارتی دربی برای آن قرار داده می‌شد و به وسیله چوبهای درخت خرما، شاخه‌های آن و نیز حصیر مسقف می‌گردید و جهت شرقی آن باز می‌ماند بدون دیوار زیرا در تابستان به خنکی داخل سقیفه کمک می‌کرد. برخی از آنها بزرگ بود و برخی کوچک که این به تمکن مالی بناکننده آن بستگی داشت. معمولاً سقیفه‌ها به همین صورت و شکل ساخته می‌شد.<sup>۶۵</sup>

موقعیت سقیفه بنی ساعده در سمت شمالی مسجد النبی به فاصله ۵۰۰ متری آن قرار داشت. این سقیفه حدود سال ۱۳۶۰ شمسی که دیوارهای خشتی آن همچنان موجود بود تخریب و اکنون شهرداری مدینه به جای آن ساخته شده است.



## نتیجه

معماری عصر رسول خدا ﷺ همانند سایر اعصار با دوران گذشته خود مرتبط و ازان الهام یافته است. این معماری بیش از هر چیز متأثر از شرایط اقلیمی و جغرافیایی بود. و آب و هوای عربستان در آن تأثیر زیادی داشته است. استفاده از چوب در سقفها به سبب خشکی آب و هوا و گرمی آن و استفاده از شاخه های نخل خرما و یا باز گذاشتن جهتی از بنا بدون دیوار برای به جریان در آوردن باد و ایجاد فضایی خنک و مطبوع در روزهای گرم و نیز استفاده از سقفهای کوتاه برای گرم ساختن مکان سکونت در شبهای سرد زمستانی و خشک، استفاده از خشت های خام لین (آجر نسوز) و استفاده از سنگ در دیوارها همگی متأثر از شرایط جغرافیایی خاص شبه جزیره است.

ورود پیامبر ﷺ به یرب و پایه گذاری شهری مدنی به عنوان مدینه النبی بر اساس معماری جدید و نوین که دستمایه های مذهبی در آن بیشتر نماد داشت در مرکزیتی مذهبی و مقدس مثل مسجدالنبی تبلور یافت. این مسجد در مرکز شهر به عنوان مکان عبادت و نیز تالارعام و اجتماعات که البته چند منظوره ساخته شده بود چون نگینی در وسط شهر قرار گرفت و در کنار آن یعنی پیرامون محیط خارجی آن صحابه مهاجر خانه های متعددی بنا و در حقیقت شهری اسلامی را پایه گذاری کردند که تا عصر حاضر شهرهای اسلامی الگویی روشن از آن عصر را در خود دارد، زیرا مسجد در مرکز اصلی شهر واقع و در پیرامون آن خانه ها و نیز بازار به عنوان دو رکن معنوی و مادی شهر اسلامی را شکل می دهند. نکته قابل ذکر دیگر تحول در معماری این خانه ها در مدینه پس از ورود رسول خدا ﷺ توسط مهاجران است. زیرا مهاجران و مردم مکه معماری متفاوتی از مردم مدینه داشتند، آنان خانه های خود را از سنگ های تراشیده شده و محکم می ساختند، چون مکه سرزمینی کوهستانی بود و سنگ به وفور در آنجا وجود داشت؛ برعکس مدینه که شهری مسطح و با نخلستانهای انبوه و آب و هوای مطبوع و خنک بود لذا وقتی مهاجران مکه به مدینه آمدند در بنای خانه هایشان از تنه های نخل و شاخه های خرما برای سقف استفاده کردند. کاری که در مکه رایج نبود. رسول خدا ﷺ بعنوان معمار و طراح مسجدالنبی و خانه های صحابه، علاوه بر آنکه در ساختن مسجد شخصاً سهیم بود و نوع معماری و طراحی آن را مشخص می کردند به تقسیم زمین ها و توزیع فضا برای احداث بنا و خانه ها با کشیدن خط هایی می پرداختند و حتی به توسعه آنها در عرض و طول و نیز ارتفاع فرمان می دادند. نمونه هایی از احداث خانه های دو طبقه در مدینه نیز حکایت از توسعه در ارتفاع دارد. با این وجود سادگی معماری و دوری از پیچیدگی های خاص و تزیین و زیبایی سازی از ویژگی هایی منحصر به فرد معماری در عصر رسول خدا ﷺ است.

## پی نوشت:

۱. حجر: ۸۰
۲. هیلن برند، معماری اسلامی ۴۱
۳. بوزکهارت، شهر اسلامی، ۱۲
۴. آگوست شوازی، ۱۷۵
۵. توبه / ۱۰۸
۶. ابن سعد، الطبقات الكبرى ۱/ ۲۳۹
۷. صالح لمعی مصطفی، المسجد النبوی، ص ۲۰۰
۸. ابن هشام، السیرة النبویة ۱/ ۴۹۶؛ ابن قیم جوزی، زادالمعاد فی هدی خیر العباد ۲/ ۱۴۴
۹. بیهقی، دلائل النبوة ۲/ ۵۴۲
۱۰. خالد عمر خالد، المعالم المسجد النبوی الشریف به نقل از دیلمی، الفردوس الشیرودیہ دیلمی، ۴۱۳۶
۱۱. پاپادوپولو، معماری اسلامی، ۱۰
۱۲. آگوست شوازی، تاریخ معماری، ۱۵۵
۱۳. همان، ۲۰۰
۱۴. سمهودی، وفاء الوفا یاخبار دارالمصطفی، ۱/ ۴۴۰ و ۴۵۰
۱۵. ابن نجار، اخبار مدینة الرسول ۱۶۹
۱۶. خالد محمد خالد، معالم المسجد النبوی الشریف، ۳۵-۴۰
۱۷. پاپادوپولو، ۱۱
۱۸. الیاس عبدالغنی، تاریخ المسجد النبوی، ۱۰۴
۱۹. هیلن برند، ص ۵۹
۲۰. مسلم، صحیح، ۱۵/ ۱۳۹۸
۲۱. ابن حجر عسقلانی، فتح الباری بشرح صحیح البخاری ۶/ ۵۹۵
۲۲. هیلن براند، ص ۴۶
۲۳. متقی الہندی، کنز العمال فی سنن و الاقوال ۱۴/ ۵۸؛ بخاری، صحیح، کتاب الصلوة، ۳۰۲
۲۴. همان، ۱۲
۲۵. پاپادوپولو، همان، ۱۴
۲۶. محمد خالد، همان، ۶۵
۲۷. سمهودی، ۲/ ۵۳۲
۲۸. همان، ۳۹-۴۰
۲۹. همان، ۴۲
۳۰. پاپادوپولو، معماری اسلامی، ج ۱، ۱۱
۳۱. همان جا.
۳۲. وفاء الوفا ۱/ ۴۵۹
۳۳. همان، ۱۴
۳۴. ابن کردی، ۲۵۱
۳۵. ابن سعد، الطبقات الكبرى، ۳/ ۴-۱۹۰
۳۶. سمهودی، همان ۲/ ۴۵۹
۳۷. سمهودی، ۲۷۸
۳۸. امین کردی، ص ۲۵۲
۳۹. سمهودی، همان، ج ۱، ص ۴۶۰؛ ابن سعد، ج ۱، ص ۴۹۹
۴۰. ابن نجار، اخبار مدینة الرسول، ص ۷۳

۴۱. سمهودی، ج ۲، ص ۵۴۳
۴۲. محمد الیاس عبدالغنی، بیوت الصحابه، ص ۲۸
۴۳. سمهودی، وفاء الوفا، ج ۲، ص ۵۰۸
۴۴. سمهودی، ج ۲، ص ۴۹۲
۴۵. تاریخ معماری، ص ۱۶۸
۴۶. سمهودی، همان، ج ۱، ص ۴۶۸
۴۷. بوركهارت، هنر اسلامي، زبان و بیان، ص ۲۴
۴۸. مسلم، كتاب الاشریة، ۳۶؛ حدیث ۲۵۰۳
۴۹. ابن شبه، تاریخ المدینه المنوره، ج ۱، ص ۲۶۰
۵۰. سمهودی، وفاء الوفا، ج ۲، ص ۷۳۷
۵۱. معجم البلدان، ج ۵، ص ۲۰۲
۵۲. سمهودی، وفاء الوفا، ج ۲، ص ۶۰۷
۵۳. سمهودی، ج ۲، ص ۷۳۲
۵۴. همان ج ۲، ص ۶۹۰
۵۵. ابن شبه، همان، ج ۱، ص ۲۳۵
۵۶. یاقوت حموی، ج ۵، ص ۸۶
۵۷. ان شبه، همان ج ۱، ص ۲۴۴
۵۸. ان شبه، همان ج ۱، ص ۲۵۶
۵۹. محمد الیاس عبدالغنی، همان، ص ۱۱۰
۶۰. قاموس المحيط ج ۱، ص ۳۶۴
۶۱. همان ج ۱، ص ۲۳۲
۶۲. ابن نجار، اخبار مدینه الرسول ص ۹۹
۶۳. محمد الیاس عبدالغنی، همان، ص ۱۱۱
۶۴. همان، ص ۱۱۴
۶۵. محمد الیاس عبدالغنی، همان ص ۱۱۵